

۱۶۳۹۴

۱۷۰۱۷

۱۷۰۱۷

علم تفسیر در خراسان عصر سلجوقی

علیرضا روحی میرآبادی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

چکیده

تمدن اسلامی در دوره حکومت سلجوقیان (۴۲۱-۵۵۲ هـ.ق) به اوج اعتلای خود رسید. تفسیر از علوم مورد توجه دانشمندان مسلمان در این دوره بود که برخی از آنها از بهترین آثار اسلامی تا امروز به شمار می‌رود. در این نوشتار به معرفی مهم‌ترین آثار تألیفی فرقه‌های مختلف در زمینه تفسیر، پرداخته شده است.

مقدمه

در بررسی سیر علوم، قرن دوم و سوم هجری را باید دوره نقل، تدوین و تکوین علوم و قرن چهارم و پنجم را دوران ترقی و ثمردهی گذشته به حساب آورد و در حقیقت دوره طلایی تمدن اسلامی را باید همین عهد تا پیش از حمله به علوم عقلی و تهاجم‌های غزها و اختلافات مذهبی دانست.

از مسائلی که از اوایل قرن دوم تا اواخر قرن چهارم به رواج علوم و آزادی دانشمندان در بحث‌های علمی کمک فراوان نمود،

گسترش مذهب معتزله و برتری اصحاب رأی بود. در این عصر در خراسان به تدریج زمزمه‌های مخالفت و دشمنی با معتزله و عقل‌گرایی آغاز شد. اصحاب حدیث مبارزه جدی‌تری با عقل‌گرایی آغاز کردند. آنان پیروان مالک بن انس، محمد بن ادریس شافعی، سفیان ثوری، احمد بن حنبل و داود بن علی بودند. در مقابل آنان معتزلیان قرار داشتند. خراسان در این عهد با ظهور شخصیت‌هایی از دو گروه مواجه بود، اما اصحاب حدیث برتری آشکاری نسبت به

اصحاب رأی داشتند. این اختلاف و کشمکش تقریباً در تمامی موضوعات علمی جریان داشت و تأثیرش در تألیفات دانشمندان دیده می‌شود.

نتیجه مهمی که این مبارزه به بار آورد، توقف و انحطاط علمی بود. این انحطاط از زمان خلافت متوکل و مبارزه او با عقل‌گرایی شروع شد. اعمال متعصبانه وی میدان را برای اهل حدیث باز کرد و حمایت اشعریان از این مبارزه باعث تضعیف عقل‌گرایی و آزاداندیشی در جهان اسلام شد. مجالس درسی که پیش از این به صورت کاملاً آزاد در موضوعات مختلف علمی تشکیل می‌شد از این پس کاملاً وابسته به نقل و علوم نقلی گردید و به ایجاد نوعی جمود فکری انجامید. زبان‌هایی که جلوگیری از بحث و نظر بر جریان کلی علوم به وجود آورد، بی‌شمار بود. اهل حدیث با محدود کردن دایره عقل، خود را منحصر در نقل و نصوص نمودند. این مسائل باعث شد تا تفکر و تعمق علمی ضعیف شود و تقلید بدون اجتهاد و تمسک به نصوص بدون تعقل به جای آن بنشیند و حوزه علمی به دانش‌های خاصی محدود گردد.

گسترش تصوف نیز در این عصر مشکلات بسیاری در جریان علوم پدید آورد

و آثاری در کشف و شهود و مسائل مرتبط با تدوین شد. مکتب فکری تصوف به اهل حدیث متمایل بود و این مکتب فکری باعث تضعیف بیشتر اهل رأی گردید.

بدین سان دوره مورد بحث، عصر اعتلای علوم حدیثی و شرعی بود و صدها تألیف در زمینه‌های مختلف آن به‌ویژه تفسیر تدوین شد.

عوامل مؤثر در پیشرفت و رونق علوم
در دوره سلجوقی وجود صدها مرکز علمی در خراسان و تأسیس نخستین مدارس خصوصی و دولتی چون نظامیه‌ها و کتابخانه‌های متعدد باعث رونق علمی قابل توجهی شده بود. این رونق علمی از دوره‌های پیشین به ارث رسیده بود و ویرانسی‌هایی را که سلجوقیان در آغاز حکومت خود داشتند، تحت پوشش قرار داد.

حمایتهای پادشاهان و وزیران سلجوقی از دانشمندان روحیه علمی در جامعه را تقویت کرده، نفوذ دانشمندان در دربار چنان عمیق بود که در موارد بسیاری نظر آنان در رتق و فتق امور اعمال می‌شد. این نفوذ از همان ابتدای ورود سلجوقیان به خراسان برقرار بود، چنان که قاضی صاعد دانشمند

مشهور نیشابوری، در آغاز ورود سلجوقیان به نیشابور طغرل را به ترس از خدا و عدم خونریزی نصیحت کرد و طغرل با احترام کامل خیرخواهی او را پذیرفت.^۱

حمایتهای خواجه نظامالملک از علمای شافعی مذهب موجب تقرب آنان به دستگاه حاکمه شده بود. دوره طولانی حکومت سلطان سنجر و آرامش نسبی که در شهرهای خراسان حکمفرما بود، باعث شد تا خراسان به عنوان مأمنی مطمئن شناخته شود و از سایر نقاط ایران دانشمندان بسیاری به این منطقه مهاجرت کنند.

این آرامش موجب تأسیس مراکز متعدد علمی شد و چنان که منابع نشان می‌دهند بیشترین و مهمترین مراکز علمی ایران در خراسان به وجود آمد. در شرح حال بسیاری از دانشمندان به تقرب آنان نزد سلطان سنجر اشاره شده است. از مشهورترین دانشمندان مورد اعتماد سلطان سنجر، شهرستانی می‌باشد. سنجر به حمایت از دانشمندان اهتمام فراوانی داشت و در جذب بهترین مدرّسان برای مراکز علمی به ویژه نظامیه‌ها می‌کوشید. در مجموعه مکاتیب فارسی غزالی، نامه‌ای از سلطان سنجر به امام محمد غزالی موجود است که سنجر از غزالی برای تدریس در نظامیه نیشابور دعوت کرده

است.^۲

راوندی با اشاره به این حمایتها می‌نویسد: «در عهد او [سنجر] خطه خراسان مقصد جهانیان شد و منشأ علوم و منبع فضایل و معدن هنر، علمای دین رانیکو احترام فرمودی و تقرب تمام نمودی و بازهاد همراهی تمام داشتی و با ایشان خلوت‌ها کردی.»^۳

شاعران پرآوازه‌ای چون امیر معزی و انوری در دربار سنجر می‌زیستند و از حمایتهای بی دریغ وی بهره‌مند می‌شدند. در شهرهای بزرگی چون نیشابور، مرو، بلخ و سمرقند، هزاران دانشمند در سایه امنیت سیاسی حاکم در این دوره به تحصیل و تدریس مشغول بودند و سنجر برای آنان احترام زیادی قائل می‌شد، چنان که ابن اثیر در شرح حال عبدالرحمان بن عبدالصمد می‌نویسد: سلطان سنجر به زیارت او می‌رفت و از دعای خیر او بهره‌مند می‌شد.^۴ برخی از کارگزاران سلطان سنجر از بین علما

۱- ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۷۲۲.

۲- غزالی، ابو حامد محمد، مکاتیب فارسی غزالی به نام فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام، ص ۱۲-۱۳.

۳- راوندی، راحة الصدور، ص ۱۷۱؛ نیشابوری، ظهیرالدین، سلجوقنامه، ص ۴۵.

۴- ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۴۰.

انتخاب شده بودند چنان که وزیرش عبدالرزاق بن عبدالله (م. ۱۵۵ق) از مدرسان نظامیه نیشابور بود.^۱

با نگاهی کلی به برخی از آثار رجالی این عصر درمی‌یابیم مناظرات و مباحثات علمی بسیاری در شهرهای مختلف خراسان انجام می‌شده و فوت یک عالم یا مهاجرت وی به یک شهر، تأثیر مهمی بر دانشمندان داشته است. برخی دانشمندان چون امام الحرمین جوینی، ابوالقاسم قشیری، ابو عثمان صابونی و خواجه عبدالله انصاری شهرتی جهانی داشته‌اند و شاگردان بسیاری از مناطق مختلف برای درک مجلس درس آنان به خراسان می‌آمده‌اند. وجود چنین دانشمندانی در خراسان موجب گسترش مراکز علمی در این منطقه می‌شد.

عوامل مؤثر در انحطاط علوم

در دوره سلطان سنجر برخی عوامل خارجی به رونق علمی آسیب رساند که مهمترین آن‌ها نبرد قطوان و حمله غزها و کشته شدن دانشمندان زیادی در این حملات بود.^۲

با شکست سنجر در قطوان، آتسز خوارزمشاه از این موقعیت برای حمله به خراسان استفاده کرد. این حمله به کشته

شدن تعدادی از دانشمندان در این آشفته‌گی‌ها و انتقال عده‌ای از علماء به خوارزم انجامید که وقفه‌ای را در مجالس علمی پدید آورد.^۳

اما مهمترین حمله خارجی که موجب نابودی مراکز علمی و کشته شدن علمای بسیاری شد، حمله غزها بود. با شکست سلطان سنجر در مقابل غزها آنان به خراسان حمله بردند و بطور وحشیانه‌ای همه مراکز علمی و تمدنی شهرهای خراسان را نابود کردند و عده بسیاری از علما را کشتند.

مشهورترین عالمی که در این واقعه کشته شد، محمد بن یحیی، فقیه مشهور شافعی مذهب نیشابور و شاگرد غزالی و بزرگ و مقتدای خراسان بود. غزها او را به دلیل فتوایی که پیش از این، بر ضد آنان داده و آن‌ها را مهدورالدم دانسته بود، با شکنجه کشتند. آنان آنقدر خاک در دهان وی کردند تا فوت کرد.^۴ این کار غزان باعث تحریک شدید احساسات مردم شد و مرثیه‌هایی

۱- سبکی، طبقات الشافعیة، ج ۷، ص ۱۶۸.

۲- ابن فندق، تمة صوان الحکمه، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ ابن

فندق، تاریخ بیهقی، ص ۲۴۰.

۳- ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۳۱۹-۳۲۱.

۴- طوسی، عجایب المخلوقات، ص ۲۵۳.

برای وی سرودند. خاقانی در مرثیه‌ای چنین سروده است:

در دولت محمد مرسل نداشت کس
فاضلتر از محمد یحیی فتای خاک
او کرد روز تهلکه دندان فدای سنگ

وین کرد روز قتل دهن را فدای خاک^۱
غزها به همراه محمد بن یحیی سی هزار
نفر دیگر را نیز کشتند. در این زمان، سلطان
سنجر اسیر آنان بود و توانایی مقابله نداشت.
آنان جامع نیشابوری را از کشته‌ها غرق خون
کردند.

در شرح حال عالمان دیگر در این عصر
به مسئله شهادت آنان توسط غزها اشاره
شده است.^۲

غزان همچنین مراکز علمی، کتابخانه‌ها و
مدارس را نابود کردند. ابن اثیر نام برخی از
علمایی را که در نیشابور، جوین و طوس
کشته شدند، ذکر کرده می‌نویسد: «غزان در
نیشابور هر چه کتابخانه بود سوزاندند و تنها
برخی از آن‌ها سالم ماند.^۳ ابن وردی نیز از
ویرانی مسجد عقیل و هفده مدرسه شافعیه
و ویرانی کتابخانه‌ها خبر می‌دهد.^۴

از مشهورترین شخصیت‌هایی که توسط
غزها کشته شد حسن قطان مروزی منجم،
فیلسوف خراسانی است. او توسط غزها
اسیر شده، در حال اسارت به آنان دستانم

می‌داد. غزها نیز آن قدر خاک در دهان او
ریختند تا سرانجام در سال ۵۴۸ق فوت
کرد.^۵ حمله غزها باعث مهاجرت تعدادی از
علمای به مناطق دوردست گردید، علمایی
چون محمد بن اسعد طوسی که از شاگردان
غزالی بود از حمله غزها به عراق و سپس به
آذربایجان گریخت و تا آخر عمرش در
آذربایجان ماند.^۶

ابن فندق که خود معاصر این حوادث
بوده، می‌نویسد: «بیهقی را در گذشته تهامه
صغری خوانده‌اند از کثرت فضلا و ادبا که
اینجا بوده‌اند و امروز طراوت علم منسوخ
شده است و همت طلاب ادب در مهاوی
قصور و نقصان افتاده است»^۷. پس از حمله
غزها آنچه باقی مانده بود بر اثر اختلافات
مذهبی نابود شد. تا جایی که شهرهای
بزرگی چون نیشابور به ویرانه‌ای تبدیل شد و

۱- ظسهری نیشابوری، سلجوقنامه، ص ۵۰-۵۱؛
افضل الدین کرمانی، سلجوقیان و غز در کرمان،
ص ۲۷۹.

۲- رک: سبکی، طبقات الشافیه، ج ۷، ص ۱۵۰ و ۱۵۴.

۳- ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۳۸۵.

۴- ابن وردی، تاریخ ابن وردی، ج ۲، ص ۶۲.

۵- قطان مروزی، گیهان‌شناخت، ص ۴۱.

۶- سبکی، طبقات الشافیه، ج ۶، ص ۹۲.

۷- رک: ابن فندق، تاریخ بیهقی، ص ۲۷۶.

فرقه‌های مختلف، بنابر رأی پیشروان مذهب خود، در این زمینه آثاری به رشته تحریر درآوردند که خوشبختانه بسیاری از این آثار باقی مانده است. رونق تفسیرنویسی از سده‌های قبل آغاز شده بود و در قرن پنجم اهتمام بیشتری بدان ورزیدند و در قرن ششم به اوج خود رسید و بدین سبب برخی محققان، دهه‌های نخست قرن ششم را عصر تفسیرنویسی نامیده‌اند.^۶ زیرا در این دو سه دهه به فاصله‌ای کمتر از سی سال حداقل چهار تفسیر بزرگ و پر آوازه که در همه دوره‌ها اعتبار و جایگاه خاصی داشته‌اند، تألیف شد.

در تحلیلی می‌توان یکی از مهمترین علل توجه مسلمانان به تفسیر را مبارزه شدید با علوم عقلی و شکست فلاسفه و علمای منطقی در این مبارزه دانست. چنان که پس از

همه مراکز علمی آن از بین رفت و شادباخ به جای آن ساخته شد.

در دوره سلجوقی در خراسان خاندانهای دانشمند متعدد و مشهوری ظهور کردند که هر یک از این خاندانها چندین عالم و دانشمند را تربیت کرده و برخی از بزرگترین دانشمندان خراسان از همین خاندانها بوده‌اند.

از جمله آنها می‌توان به خاندان منیمی^۱، خاندان حاکمیان و فندیان^۲، خاندان آل برهان^۳، آل عمران^۴ اشاره کرد.

علوم قرآنی و تفسیر

در بررسی تاریخ تفسیر به دو دوره کاملاً متمایز از یکدیگر برمی‌خوریم. نخستین مرحله، دوره حل مشکلات لغوی و بیان مقصود با ساده‌ترین و موجزترین بیان، به دور از مباحث کلامی است.

دیگری دوره تفصیل و تبویب مطالب و تنوع موضوعهای مختلف تفسیری و علوم قرآنی می‌باشد.^۵

عصر سلجوقی در دوره دوم تفسیرنویسی قرار دارد و علوم قرآنی و تفسیر در این عصر در میان علمای مذاهب مختلف به کمال خود رسید و آثار گرانسنگی در این زمینه تألیف گردید. علمای برجسته

۱. رک: سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۴۰۰-۴۰۱.
۲. رک: ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۱۰۱-۱۰۶.
۳. رک: عوفی، لباب الالباب، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۴. رک: یساقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۵، ص ۶۱-۶۵.
۵. طالقانی، عبدالوهاب، تاریخ تفسیر، انتشارات نبوی، ص ۳۹.
۶. رازی، ابوالفتح حسن بن علی، روض الجنان و روح الجنان، ص ۶۲.

این خواهیم دید، دانشمندان مسلمان در قرن پنجم و ششم پس از شکست و سرخوردگی از علوم عقلی، به علوم نقلی روی آوردند و علوم قرآن و حدیث از مهم‌ترین علوم مورد توجه آنان گردید.

آثار تفسیری در این دوره عموماً به تفصیل به جنبه‌های مختلف از قبیل بحث در موارد اعجاز قرآن، فصاحت، قصص قرآن، متشابهات، ناسخ و منسوخ و مطالب دیگر پرداخته‌اند. برخی از مهم‌ترین تفسیرهای عرفانی در این عصر تألیف شد. همچنین چند تفسیر مهم به زبان فارسی به نگارش درآمد.

تفسیرهای شافعی

از تفسیرهای مشهور این عصر تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم تألیف عمادالدین شاهفور اسفراینی (م ۴۷۱ق) است. این اثر نخستین تفسیر قرآن به زبان فارسی است و در بین تفسیرهای کهن اهمیت خاصی دارد و چگونگی بخش ترجمه آن و دیدگاه‌های مفسر در زمینه ترجمه قرآن بر اهمیت آن افزوده است. مؤلف تحت تأثیر محیط زندگی خود قرار داشته که برخوردهای تند کلامی میان فرقه‌های مختلف و به‌ویژه میان معتزلیان و اشعریان مشخصه آن بوده است.

علاوه بر نکته‌های کلامی، مطالب فقهی تاج التراجم نیز جالب توجه است. مؤلف به فقه تطبیقی هم پرداخته و نظریه‌های فقهی فرقه‌های دیگر را در مقایسه با فقه مذهب شافعی، مورد بررسی قرار داده است.^۱

از مفسران دیگر قرن پنجم علی بن عبدالله بن احمد نیشابوری معروف به ابن ابی الطیب (م ۴۵۸ق) است. وی از علمای برجسته عصر خود بوده، صاحب سه تفسیر مهم است: تفسیر کبیر در سی مجلد، تفسیر وسیط پانزده مجلد و تفسیر صغیر سه مجلد. مؤلف همه مطالب این تفسیر را از حفظ املاء کرده است. پس از درگذشت ابن ابی الطیب مدفن او زیارتگاه مردم شده بود و مردم حاجاتشان را از حق تعالی به واسطه او درخواست می‌کردند.^۲

از علمای مشهور خراسان احمد بن علی بن محمد بیهقی (م ۵۴۴ق) مؤلف تاج المصادر است که دو اثر در زمینه علوم قرآنی تألیف نموده است: المحيط بلغات القرآن و

۱- ر.ک: اسفراینی، شاهفور بن طاهر، تاج الشراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۱، ص ۱۲-۱۶؛ عبدالغفار، المستخب من السیاق، ص ۳۹۳.

۲- ر.ک: ابن فندق، تاریخ بیهقی، ص ۱۸۵؛ سیوطی، طبقات المشربین، ص ۲۲.

المحيط بعلم القرآن^۱.

از آثار مهم تفسیری این دوره کتاب معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل تألیف ابو محمد حسین بن مسعود بن محمد فراء بغوی^۲ (م ۵۱۶ق) ملقب به محیی السنّة می باشد^۳. این اثر به تفسیر فراء و تفسیر بغوی نیز مشهور است. برخی از محققان این اثر را تلخیصی از تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن تألیف ثعلبی ذکر کرده، آن را از زمره تفسیرهای متأثر می دانند.

ذهبی از دانشمندان معاصر، در وصف این اثر می نویسد: از بهترین تألیفات در علم تفسیر و برترین آن ها و جامع سخنان صحیح و عاری از شیبه و آراسته به احادیث نبوی و احکام شرعی و اخبار عجیب گذشتگان است^۴.

از تفسیرهای مشهور فارسی در قرن پنجم تفسیر سوراآبادی تألیف ابوبکر عتیق نیشابوری (م ۴۹۴ق) است. این تفسیر بسیار مفصل بوده و مؤلف خود، آن را تفسیر التفاسیر نامیده است^۵. اهمیت این تفسیر باعث شده است تا سوراآبادی از جمله افاضل جهان در عصر آلپ ارسلان گردد^۶.

ابو حامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق) از علمای مشهور شافعی است که در زمینه های مختلف تألیفاتی دارد. غزالی در زمینه تفسیر

از مفسران علمی قرآن شمرده می شود و معتقد است قرآن شامل همه علوم است^۷. در این زمینه در دو کتابش بحثهایی را مطرح کرده است. غزالی در جواهر القرآن^۸ کلیه علوم را که از قرآن منشعب می شود تقسیم بندی نموده، توضیحات کافی درباره آنها می دهد حتی غیر از علوم دینی و ملحقات آن، علوم دیگر را از قبیل طب،

- ۱- یاقوت الحموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۵۰-۵۱؛ سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۴.
- ۲- منسوب به سرزمینی از بلاد خراسان بین مرو و هرات به آن بغ و بغشور می گفتند. رک: سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۲۷۴.
- ۳- رک: سبکی، طبقات الشافیه، ج ۷، ص ۱۷۵؛ سیرطی، طبقات المفسرین، ص ۱۲-۱۳؛ یاقی، مرآة الجنان، ج ۳، ص ۲۱۳؛ دمشقی صالحی، طبقات علماء الحدیث، ج ۴، ص ۳۰.
- ۴- ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ص ۲۳۶-۲۳۷.
- ۵- سوراآبادی، تفسیر سوراآبادی، ص ۱ و ۲؛ مقدمه استاد مینوی بر چاپ عکسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱-۲؛ عبدالغافر فارسی، المنتخب من البیاق، ص ۶۱۱.
- ۶- خواندمیر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۴۹۰.
- ۷- ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۴۷۵؛ درودی، موسی، نخستین مفسران پارسی نویسن، ص ۹۳.
- ۸- سبکی، طبقات الشافیه، ج ۶، ص ۲۲۶.

نجوم، تشریح اعضاء، سحر و طلسمات و غیر آن را از قرآن می‌داند^۱. علاوه بر این، تفسیر سوره اخلاص نیز از غزالی است که در آن در اثبات وحدانیت خدا به روش صوفیان بحثهایی مطرح نموده است.

از دیگر دانشمندان این عصر ابوالفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی (۴۶۷ یا ۴۶۹-۵۴۸ق) عالم شافعی اشعری مسلک، معاصر و مقرب سلطان سنجر می‌باشد. او در کلام و فلسفه، ملل و نحل و تفسیر متخصص بود و در تفسیرش مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، از این علوم بهره برده است. بسیاری او را به الحاد و تمایل به اهل قلاع (اسماعیلیه) نسبت داده‌اند^۲.

بیهقی که معاصر یا شهرستانی است از مجلس بحث و مناظره با شهرستانی خبر می‌دهد و از این‌که شهرستانی آیات قرآن را بر قوانین شریعت و حکمت و غیر آن تأویل نمود به او ایراد گرفته و متذکر شده است که حکمت از تفسیر قرآن و تأویلش جداست^۳. شهرستانی قرائت و نحو و لغت و تفسیر و معانی را از افراد متبحر نقل کرده، سپس به اسرار می‌پردازد و آثاری را که به آن‌ها مراجعه کرده است، نام می‌برد^۴. در بحث اسرار به ناسخ و منسوخ، آراء ملل و نحل،

تأویل حروف و اعداد توجه داشته است^۵.

تفسیرهای حنفی

از دانشمندان مشهور این عصر ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی^۶ (۵۳۸-۴۶۲ق) معروف به مفتی الثقلین از بزرگان حنفی ماوراءالنهر است. نسفی از مشهورترین و برجسته‌ترین علمای عصر خود بوده است و در فقه، تفسیر، حدیث، تاریخ و جز آن تألیفاتی داشته است که بنا بر نقل قول برخی، آثار او به صد کتاب می‌رسد^۷.

مهمترین آثار تفسیری نسفی عبارت‌اند از: الاکمال الاطوال فی تفسیر القرآن در چهار

۱- جلالیان، حبیب الله، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۲۲۸-۲۳۱.

۲- سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۶، ص ۱۲۸.

۳- ابن فندق، تاریخ حکماء الاسلام، ص ۱۶۱.

۴- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، تفسیر شهرستانی المستی بمفاتیح الاسرار و مصابیح الاسرار، ص ۹۳.

۵- همان، ص ۹۹.

۶- منسوب به شهر نسف از بیلاذ ماوراءالنهر به آن نخشب نیز می‌گفتند. رک: سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۴۸۶.

۷- نسفی، عمر بن محمد، تفسیر نسفی، ص ۳۳؛ سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۲۷.

مجلد، تیسیر فی علم التفسیر در یک مجلد^۱ و تفسیر نسفی. اثر اخیر را به زبان فارسی تألیف نموده است و از سجع و موازنه و جناس در ترجمه و تفسیر بهره برده است.^۲

مشهورترین دانشمند حنفی مذهب در این عصر ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی زمخشری (۴۶۷-۵۳۶ق) است او در زمخشر از آبیهای بزرگ خوارزم^۳ متولد شد و آنجا رشد و تربیت یافت و به بخارا سفر کرد. سپس به عراق و حجاز رفت و مدتی در مکه اقامت گزید از این رو ملقب به جارالله شد. زمخشری یک پایش را در سفر علمی بر اثر شدت سرما و برف از دست داد.^۴

مشهورترین اثر او الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل می باشد که به صورت خلاصه الکشاف خوانده می شود. زمخشری متن قرآن را مانند دیگران به طور کامل نقل نکرده، بلکه آنچه به نظر او به تفسیر نیاز داشته، شرح و تفسیر نموده است و به لحاظ این که از استادان ادبیات بوده به تمام نکات ادبی توجه داشته است.^۵

زمخشری عقیده اش به اعتزال را در جای جای تفسیر خود آورده است. با توجه به اهمیت این تفسیر بیست و دو شرح و تعلیقه،

نه خلاصه و سه ردیه بر آن نوشته شد.^۶ از تفسیرهای مشهور این عصر کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه اجمعین، تألیف عبید الله بن عبد الله بن عبد الله (درگذشته بعد از ۴۷۰ق) معروف به حاکم الحسکانی ابن الحداء می باشد. مؤلف این اثر، حنفی مذهب بوده^۷ و در آن به تفسیر آیات قرآنی که درباره حضرت علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام نازل شده، پرداخته است. بنا به نقل برخی منابع حاکم الحسکانی صاحب صد اثر بوده است،^۸ اما از آثار دیگرش اطلاعی در دست

۱. بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفين، ج ۵،

ص ۱۷۸۳، ابن حجر، لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲. مجموعه رسائل خواجه عبدالله انصاری، ص ۳۸.

۳. سمانی، الانساب، ج ۳، ص ۱۶۳.

۴. ابن خلکان، وفيات الاعیان، تحت عنوان زمخشری،

ج ۵، ص ۱۶۸، یاقوت الحموی، معجم الادباء، تحت

عنوان زمخشری، ج ۱۹، ص ۱۱۲۶، زمخشری اساس

البلاغه، ص ۳؛ قفطی، إنباء الرواة، ج ۳، ص ۲۶۵.

۵. زمخشری، پیشرو ادب یا مقدمة الادب، ص ۱۱-۱۳.

۶. بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۵، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۷. عبدالغافر فارسی، المنتخب من السياق، ص ۱۴۶۴

ذهبی، شمس الدین محمّد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸،

ص ۲۶۹.

۸. حاکم الحسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل

لقواعد التفضیل، ص ۱۱.

نیست.

است. او یگانه روزگار در تفسیر بوده و اهمیتش تا به آن اندازه بود که در منابع، او را الامام المفسرین معرفی کرده‌اند.^۶ آثار تفسیری واحدی عبارت‌اند از: البیض در شانزده جلد، الوسیط در چهار جلد، الوجیز در یک جلد^۷، اسباب النزول که در آن سبب نزول آیات را از سوره فاتحه الكتاب تا سوره الناس مورد بررسی قرار داده است^۸ و نفی التحریف عن القرآن الشریف^۹. شاگرد واحدی، حسن بن علی بن عباس

در قرن ششم محمود بن ابی الحسن بن حسین نیشابوری غزنوی (م ۵۵۰ق) عالم مفسر، لغوی و فقیه حنفی مذهب، ملقب به بیان الحق می‌زیسته است. او صاحب چند اثر در موضوعهای علوم قرآنی است. از مهم‌ترین آثار او کتاب ایجاز البیان من معانی القرآن است^۱ که شامل ده هزار فایده است و کتابهای باهر البرهان فی مشکلات معانی القرآن^۲ و دُرر الکلمات علی غُرر الآیات الموهومة للتعارض و الشبهات^۳ و غُرر الأقاویل فی معانی التنزیل^۴ یا زبدة التفاسیر و لمعة الأقاویل از آثار دیگر این مؤلف است. به جهت وسعت معلومات نیشابوری، یاقوت ادعا کرده که او در آثارش اعجاز می‌کند. علاوه بر این، کتاب مشهوری به نام وَضَح البرهان فی مشکلات القرآن دارد که در آن به دفاع از قرآن پرداخته و از مسائل کلامی در این دفاع بهره برده است. مؤلف در نقل مطالب دقت خاصی داشته و برای توضیح مشکلات قرآن از علوم مختلف بهره برده است. جنبه بلاغت آیات را نیز در نظر داشته و با توجه به آن آیات را معنی نموده است.^۵

تفسیرهای شیعه

از مفسران مشهور شیعه در قرن پنجم هجری علی بن محمد واحدی (م ۴۶۸ق)

- ۱- یاقوت الحموی، معجم الادباء، ج ۱۹، ص ۱۲۴، نسخه خطی این اثر در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۴۲۴۰ موجود است.
- ۲- بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکتون، ج ۳، ص ۱۶۲.
- ۳- همان، ج ۳، ص ۴۶۸.
- ۴- همان، ج ۳، ص ۱۴۴.
- ۵- نیشابوری، محمود بن ابی الحسن، وَضَح البرهان فی مشکلات القرآن، ص ۷۹-۸۰.
- ۶- عبدالغافر، المستخب من السياق، ص ۵۸۵-۵۸۶.
- ۷- سیکی، طبقات الشافعیة، ج ۵، ص ۲۲۴؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۴۱۱؛ سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۲۳؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۲، ص ۱۱۴؛ ابن الرردی، تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۳۶۶.
- ۸- شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، ص ۱۲۵.
- ۹- سبکی، طبقات الشافعیة، ج ۵، ص ۲۴۰.

م (۴۹۱ق) تفسیر نیشابوری را تألیف نموده است. او را به جهت همین تألیف، با عنوان مفسر نیشابوری می‌شناسند.^۱

از دیگر دانشمندان شیعه مذهب در این عصر محمد بن احمد بن علی فتال نیشابوری معروف به ابن فارس می‌باشد. منتجب الدین او را صاحب تفسیر و ثقه معرفی کرده است.^۲ گاهی از او به شیخ محمد علی فتال نیشابوری تعبیر شده، از این رو عده‌ای گمان کرده‌اند که آن‌ها دو نفر هستند. منتجب الدین هم همین اشتباه را کرده است، اما هر دو نام یک نفر است. عنوان تفسیر او التویر فی معانی التفسیر است. عبدالجلیل قزوینی هنگام نام بردن از تفسیرهای شیعه از این تفسیر هم یاد می‌کند.^۳

فتال نیشابوری سرانجام به دست حاکم نیشابور، شهاب الاسلام، وزیر سلطان سبتجر (۵۱۳-۵۱۵ق) به شهادت رسید.

از مشهورترین مفسران شیعه ابو علی فضل بن حسن طبرسی (۴۶۸ یا ۴۶۹-۵۴۸ق) است. وی اهل تفرش بود و مدت ۵۴ سال در مشهد اقامت داشت و به خواهش سادات سبزوار از مشهد به این شهر نقل مکان کرد. طبرسی در تفسیر صاحب آثار گرانسنگی است که بدون شک تأثیر بسیاری در آثار سده‌های بعد داشته است.

آثار وی در تفسیر عبارت‌اند از: مجمع البیان در ده مجلد^۴ که به نام تفسیر کبیر ابو علی نیز شناخته می‌شود، الکافی الشافی که در واقع خلاصه‌ای از کتاب الکشاف زمخشری است. ابن شهر آشوب از این کتاب با عنوان الکاف الشاف من الکشاف نام می‌برد.^۵ در برخی منابع از این اثر با نام الوجیز یاد شده است.^۶ تفسیر دیگر طبرسی جوامع الجامع است که در بعضی از آثار سده‌های بعد به عنوان جامع الجوامع نیز خوانده شده است.^۷ اما همان عنوان نخست صحیح است. در بسیاری از منابع از این اثر با عنوان الوسیط فی التفسیر یاد شده است.^۸

طبرسی خود مجمع البیان را با لقب الکبیر، جوامع الجامع را الوسیط و الکافی الشافی را که مختصرتر بوده الوجیز خوانده

۱- سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۱۱؛ خوانساری،

روضات الجنات، ج ۳، ص ۵۳.

۲- منتجب الدین، فهرست علماء الشیعه و مصنفیهم، ص ۱۶۶.

۳- قزوینی، عبدالجلیل، الشقیص، ص ۱۹۳؛ ابن شهر

آشوب مازندرانی، معالم العلماء، ص ۱۱۶.

۴- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ص ۱۳.

۵- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۳۵.

۶- منتجب الدین، فهرست، ص ۱۴۴.

۷- مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۶.

۸- منتجب الدین، فهرست، ص ۱۴۴؛ خوانساری،

روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۴۵.

است.

این تفسیر در نه مجلد و بر اساس هشت محور، قرائت، لغت، اعراب، نزول، نظم، معنی، احکام و اقوال مفسران بزرگ گردآوری شده است.^۳

تفسیرهای عرفانی

چنان که اشاره شد در این عصر تفسیرهای عرفانی بسیار گرانسنگی تألیف گردید. از بهترین آثار در این زمینه کتاب لطائف الاشارات و التیسیر فی التفسیر مشهور به تفسیر کبیر، هر دو تألیف ابوالقاسم عبدالکریم هوازن قشیری نیشابوری (۳۷۶-۴۶۵ق) است.^۴ امام قشیری شاگرد ابوعلی دقاق از صوفیان برجسته قرن پنجم بود.^۵ او التیسیر را پیش از سال ۴۱۰ق تألیف

از دانشمندان ذوالفنون این عصر علی بن زید بیهقی (۴۹۹-۶۵۶ق) معروف به ابن فندق و فرید خراسان می باشد. ابن شهر آشوب نام او را در دو اثر خویش در زمره دانشمندان شیعه آورده است. او صاحب بیش از هفتاد اثر علمی است. در میان آن‌ها چند کتاب در تفسیر است که عبارت‌اند از: اسئلة القرآن مع الأجوبة در یک مجلد. در این اثر بخشی از قرآن را به صورت کلامی و پاسخ پرسش‌ها آورده است. اعجاز القرآن؛ در این اثر بیشتر به لغت و ادب قرآن کریم پرداخته است. حصص الأصفیاء فی قصص الانبیاء علی طریق البلغاء این کتاب را در دو مجلد به فارسی و درباره قصص انبیاء در قرآن تألیف نموده است. قرائن آیات القرآن، احکام القرائات^۱ در کیفیت قرائات و قواعد و قراء نوشته است.

از آثار تفسیری شیعیان زیدی کتاب التهذیب تألیف ابو سعید محسن بن محمد بن کرامه چشمی (م ۴۹۴ق) از اعلام زیدیان خراسان می باشد. چشمی در نیشابور تحصیل کرد و در آغاز به حنفی و سرانجام به زیدیه گرایش پیدا کرد و به سبب نام نامناسبی که برای یکی از آثارش انتخاب کرده بود در مکه کشته شد.^۲

۱- رک: بیهقی، علی بن زید، معارج نهج البلاغه،

ص ۴۲-۴۳؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۳،

ص ۲۳۶؛ بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفين،

ج ۱، ص ۶۹۹؛ امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۸،

ص ۲۴۱.

۲- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ص ۱۰۳؛

زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۲۸۵.

۳- مؤلفات زیدیه، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴- سبکی، طبقات الشافعیة، ج ۳، ص ۱۱۵ و سیوطی،

طبقات المفسرین، ص ۲۱-۲۲.

۵- سبکی، همان، ج ۳، ص ۲۲۳؛ قشیری، لطائف

کرد و در آن به بررسی عقلی و لغوی قرآن و اعتماد بر مقولات پرداخت. تألیف این اثر پیش از ارتباط با ابوعلی دقاق و در زمانی است که قشیری به بررسی عقلی قرآن مشغول بوده است. اما تألیف لطائف در سال ۴۳۴ق و پس از ارتباط با دقاق و در پرتو استمداد از فیض او بوده است.^۱ در حقیقت پس از تفسیر سلمی (م ۴۱۲ق)، لطائف الاشارات قدیم‌ترین تفسیر کامل صوفیانه قرآن است. مؤلف در مقدمه هدفش را از تألیف این اثر «بیان اشارات قرآن به زبان اهل معرفت یعنی صوفیه مبتنی بر مفاد اقوال با نتایجی که از اصول و مبانی آنها به دست می‌آید»، عنوان می‌کند.^۲

از مهم‌ترین عارفان این عصر که توجه خاصی به تفسیر داشته است، خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ق) مشهور به پیر هرات است. در منابع مطالب مفصلی دربارهٔ چگونگی تفسیر برخی آیات نقل شده است چنان که ابن رجب می‌نویسد «از برخی ادیبان شنیدم که می‌گفتند از شیخ در تفسیر آیه‌ای سؤال شد، او چهارصد بیت از اشعار جاهلی را آورد و در هر بیت واژه‌ای از آن آیه بود»^۳ همو در ذکر آثار خواجه از تفسیر قرآن به زبان فارسی نام برده و می‌نویسد این تفسیر جامع است و خواجه در

بیان تفسیر خود از صد و هفت تفسیر استفاده کرد.^۴

این تفسیر اساس کار رشید الدین میبدی در سال ۵۲۰ق گردید و در واقع کشف الاسرار و عدة الابراء تألیف غیر مستقیم خواجه عبدالله انصاری است. مریدان و شاگردان خواجه در مجالس وعظ و تذکیر و تفسیر تقریرات او را می‌نوشتند.^۵ میبدی تفسیر موجز و مختصر خواجه را با شرح و بسط بیان کرده است.

از دیگر آثار مهم تفسیر عرفانی کتاب بحارالحقیقه تألیف شیخ احمد جام (۴۴۰-۵۳۶ق) معروف به ژنده پیل است. او این اثر را در سال ۵۲۷ق در یک مجلد و هجده باب تألیف کرد و به موازات مباحث صوفیانه به شیوه‌ای گیرا به ترجمه و تفسیر

→ الاشارات، ص ۱۲۴؛ یافعی، مرآة الجنان، ج ۳، ص ۹۱-۹۳.

۱- قشیری، لطائف الاشارات، ص ۱۱.

۲- قشیری، ترجمه رساله قشیری، ص ۶۵.

۳- ابن رجب، زین الدین ابوالفرج، ذیل علی طبقات الحنابلة، ج ۳، ص ۵۸.

۴- همان، ج ۳، ص ۵۰؛ سیوطی، طبقات المفسرین، ص ۱۵.

۵- انصاری، عبدالله، طبقات الصوفیه، ص ۱۷۶؛ میبدی، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱-۲.

آیات قرآن با سبکی دلنشین و آموزنده پرداخته و در ضمن آرا و عقاید بعضی از قراء و مفسران بزرگ با ذکر نوح قرائت آورده است. از ویژگی های این اثر، ترجمه لفظ به لفظ آیات به فارسی ساده و روان است.^۱

از مفسران صوفی مسلک سده ششم هجری صفی الدین یوسف بن عبدالله بن یوسف لؤلؤئی اندخودی^۲ است. او مؤلف تفسیر عرفانی ینایع العلوم به زبان فارسی است.^۳ مؤلف در این اثر به بیان عقاید صوفیه با استناد و تفسیر آیات قرآن پرداخته است.^۴ آثاری که معرفی شد تنها تعدادی از تفسیرهای مهم این دوره بوده و از معرفی بسیاری از مفسران دیگر به جهت جلوگیری از اطاله کلام خودداری شده است. چنان که می بینیم کمیت و کیفیت این آثار در این عصر افزایش بسیار داشته و بی جهت نیست که این عصر را دوره تفسیرنویسی خوانده اند.^۵

نتیجه گیری

چنان که یاد شد آثار بسیار گرانستگی در این دوره در تفسیر تألیف گردید که بسیاری از آنها مورد تقلید و استفاده دانشمندان سده های بعد قرار گرفت.

از جمله ویژگی های تفسیرهای این عصر اختلاف در هدف ها و مقاصد می باشد، به

این معنی که هر دسته از علمای رشته های مختلف می کوشیدند قرآن را از منظر علمی خود ببینند و آن را به اعتقاد خود تفسیر کنند. به عنوان نمونه متکلم قرآن را از دید کلامی تفسیر می کرد، همچون تفسیر مفاتیح الاسرار شهرستانی که جنبه کلامی آن غلبه داشت و یا فقیه از لحاظ قواعد فقهی به تفسیر قرآن می پرداخت، نظیر تفسیر معالم التزیل بغوی و یا صوفیه از نظر عرفان قرآن را تفسیر می کردند، همچون لطائف الاشارات قشیری. به همین صورت در سایر رشته ها هر یک از دید خود قرآن را تفسیر می کردند. مهم ترین مزیت این روش اختصاصی شدن تفسیر است که باعث دسته بندی در میان آثار تألیفی و علمای هر رشته شد و در نهایت رشد و گسترش مباحث علمی را در بین دانشمندان

۱- احمد جام، اینس الثابین، ص ۱۱.

۲- اندخود، سرزمینی بین بلخ و مرو است. رک: یاقوت الحموی، معجم البلدان، تحت عنوان اندخود، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳- نسخه ای از این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به شماره ۲۱۶ موجود است که در ۵۶۶۱ ه. کتابت شده است.

۴- قطان مروزی، کیهان شناخت، ص ۳۳.

۵- رازی، ابوالفتح، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان، ص ۶۲.

اسلامی به همراه داشت. برخی از این آثار تا امروزه از بهترین کتاب‌ها در نوع خود می‌باشند.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، تصحیح محمد یوسف الدقاق، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- ۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، تصحیح محمد عبدالرحمان مرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.
- ۳- ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین محمد بن ابی‌بکر، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تصحیح احسان عباس، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ق.
- ۴- ابن رجب، زین‌الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن شهاب‌الدین احمد بغدادی، الذیل علی طبقات الحنابلہ، بیروت، دارالمعرفہ، (بی‌تا).
- ۵- ابن شهرآشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
- ۶- ابن فندق، علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، کتابفروشی فروغی، (بی‌تا).
- ۷- _____، تاریخ حکماء الاسلام، تصحیح مدوح حسن محمد، مکتبة الثقافة الدینیة، قاهره ۱۴۱۷.
- ۸- _____، تلمة صوان الحکمه، بیروت، دارالکتب

العلمیه، ۱۴۲۱.

- ۹- _____، معارج نهج‌البلاغه، تصحیح اسعد طیب، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۲۲ق.
- ۱۰- ابن کثیر، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.
- ۱۱- ابن‌الوردی، زین‌الدین عمر بن مظفر، تاریخ ابن‌الوردی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.
- ۱۲- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفورین طاهر بن محمد، تاج التراجیم فی تفسیر القرآن للاعاجیم، تصحیح نجیب، مایل هروی، تهران، نشر الیرزا، ۱۳۷۴.
- ۱۳- انصاری، خواجه عبدالله بن محمد هروی، مجموعه رسائل خواجه عبدالله انصاری، تصحیح محمد سرور مولایی، انتشارات توس، ۱۳۷۲ش.
- ۱۴- _____، طبقات الصوفیه، تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، انتشارات توس، ۱۳۶۲ش.
- ۱۵- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفين اسماء المؤلفين و المصنفين من كشف الظنون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م.
- ۱۶- بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، قم، دارالکتاب الاسلامی، (بی‌تا).
- ۱۷- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰ش.
- ۱۸- جام، احمد، انیس الثائین، تصحیح علی فاضل، انتشارات توس، ۱۳۶۸ق.
- ۱۹- جلالیان، حبیب‌الله، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تصحیح محمد رضا آشتیانی، اسوه، بی‌تا.
- ۲۰- حاکم الحسکانی، عبیدالله بن عبدالله بن احمد،

- شواهد التنزيل لتواعد التفضيل في الآيات النازلة في اهل
البيت صلوات الله و سلامه اجمعين، تصحيح محمد باقر
محمودي، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ۱۴۱۱ق /
۱۹۹۰م.
- ۲۱- حسيني، احمد، مؤلفات زيديه، قم، مكتبة آيت الله
مرعشي نجفي، ۱۳۷۱ش.
- ۲۲- خواندمير، حبيب السير، زير نظر دكتور محمد دبير
سياقي، مقدمه جلال الدين هماني، انتشارات
كتابفروشي خيام، ۱۳۵۳ش.
- ۲۳- خوانساري محمد باقر، روضات الجنات في احوال
العلماء و السادات، تهران، اسماعيليان، ۱۳۹۰ق.
- ۲۴- درودي، موسى، نسختين مفسران پارسي نويس،
انتشارات نور فاطمه، ۱۴۶۳ش.
- ۲۵- دمشقى صالحى، ابى عبد الله محمد بن احمد بن
عبد الهادى، طبقات علماء الحديث، تصحيح اكرم
البوش و ابراهيم الزبيق، بيروت، مؤسسه الرسالة
۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.
- ۲۶- ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، مير
اعلام النبلاء، تصحيح اكرم البرشمى، بيروت،
مؤسسه الرسالة (بى تا).
- ۲۷- ذهبى، محمد حسين، التفسير و المفسرون، بيروت،
دارالقلم، بى تا.
- ۲۸- رازى، ابرالفتح حسين بن على، روض الجنان و روح
الجنان، تصحيح محمد جعفر ياحقى و محمد مهدي
نصاح: بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس
رضوى، ۱۳۷۱ش.
- ۲۹- راوندى، محمد بن على بن سليمان، راحة الصدور و
آية السور، به سمي و اهتمام محمد اقبال، حواشى
- مجتبى مينو، تهران، انتشارات اميركبير، ۱۳۶۴ش.
- ۳۰- زرکلى، خيرالدين، الاعلام، دارالعلم للملادين،
بيروت، ۱۹۸۲م.
- ۳۱- زمخشرى، ابوالقاسم جار الله، محمود بن عمر، پيشرو
ادب يا مقدمة الادب، تصحيح محمد كاظم امام،
تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۳۲- زمخشرى، ابوالقاسم جار الله، اساس البلاغة، تصحيح
محمد باصل عيون، بيروت، دارالكتب العلمية
۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.
- ۳۳- سبكي، تاج الدين ابونصر عبدالوهاب بن على بن
عبدالكافي، طبقات الشافعية الكبرى، تصحيح محمود
محمد الطناحى و عبدالفتاح محمد الحول، مصر،
مطبعة عيسى البابى، ۱۳۸۶ق / ۱۹۶۷م.
- ۳۴- سمعانى، عبدالكريم، الانساب، تصحيح عبدالله عمر
البارودى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و
التوزيع، ۱۴۱۹ق.
- ۳۵- سورآبادى، ابوبكر عتيق نيشابورى، تفسير قرآن كريم،
تصحيح على اكبر سعيدى سيجانى، تهران، فرهنگ
نشر نو، ۱۳۸۱ش.
- ۳۶- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، طبقات المفسرين،
كتابفروشى اسدى، ۱۹۶۰م.
- ۳۷- شهرستانى، محمد بن عبدالكريم، مناجح الاسرار و
مصاييح الابوار، تصحيح محمد على آذرشب، دفتر
نشر ميراث مكتوب، ۱۳۷۶ش.
- ۳۸- شهيدى صالحى، عبدالحسين، تفسير و تفاسير شيعه،
انتشارات حديث روز، ۱۳۸۱ش.
- ۳۹- طالقانى، عبدالوهاب، تاريخ تفسير، مؤسسه انتشارات
تبرى، ۱۳۷۷ش.

کيهان شناخت، مقدمه محمود مرعشی نجفی، قم، انتشارات کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۹ش.

۵۰ قفطی، علی بن یوسف بن ابراهیم، انباه الرواة علی انباه النحاة، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۹ش.

۵۱ کرمانی، افضل الدین ابو حامد، سلجوقیان و غزدر کرمان، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه باستانی پاریزی، انتشارات کومش، ۱۳۷۳ش.

۵۲ منتجب الدین، ابوالحسن علی بن عبیدالله ابن بابویه رازی، فهرست اسماء علماء الشيعة و مصنفیهم، تصحیح عبدالعزیز طباطبایی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۵۳ نسفی، نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد، تفسیر نسفی، تصحیح عزیزالله جوینی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ش.

۵۴ نیشابوری، محمود بن ابی الحسن، وضع البرهان فی مشکلات القرآن، تصحیح صنوان عدنان داوودی، دمشق دارالفلم، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.

۵۵ یاقمی یمنی مکی، مرآة الجنان و عبرة اليقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبعات، (بی تا).

۵۶ یاقوت الحموی، معجم البلدان، تصحیح فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۵۷ —، معجم الادباء، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

۴۰ طبرسی، امین الدین ابو علی فضل بن حسن، جوامع الجامع، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم گرچی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، (بی تا).

۴۱ طوسی محمد بن محمود، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز، (بی تا).

۴۲ عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۷۲ش.

۴۳ عرفی، محمد، تذکره لباب اللباب، مقدمه علامه قزوینی، ترجمه مقدمه محمد عباسی، کتابفروشی فخر رازی، ۱۳۶۱ش.

۴۴ غزالی، ابو حامد، محمد، مکاتیب فارسی غزالی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.

۴۵ فارسی، عبدالخافر، تاریخ نسابور المتخب من الباق، انتخاب ابوالسحاق صریفتی، اعداد محمد کاظم محمودی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.

۴۶ قزوینی، عبدالجلیل، کتاب النقص، معروف به بعض مطالب النواصب فی نقص بعض فضائح الروافض، مقدمه و تصحیح سید جلال الدین امری محدث، چابخانه سپهر، ۱۳۳۱ش.

۴۷ قشیری، عبدالکریم بن هوزین، ترجمه رساله قشیری، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.

۴۸ —، لطائف الاشارات، تصحیح ابراهیم بسیونی، قاهره، دارالکتب العربی للطباعة و النشر (بی تا).

۴۹ قطان مروزی، حسن بن علی بن محمد،